

۲ یادداشت
کامیاب ستاد کوهی

۱۳ خبر
یویای ناعیرا
به یاد و نجیب آهنگساز بزرگ

۱۳ خبر
استاد بدون جانمین
به یاد بنیان محمدرضا

روشنفکر نیستم
ویژه‌نامه‌ی سازندگی برای تداوم نگاه کتاب



گفت‌وگوی سازندگی با علی اکبر صالحی قائم مقام فرهنگستان علوم

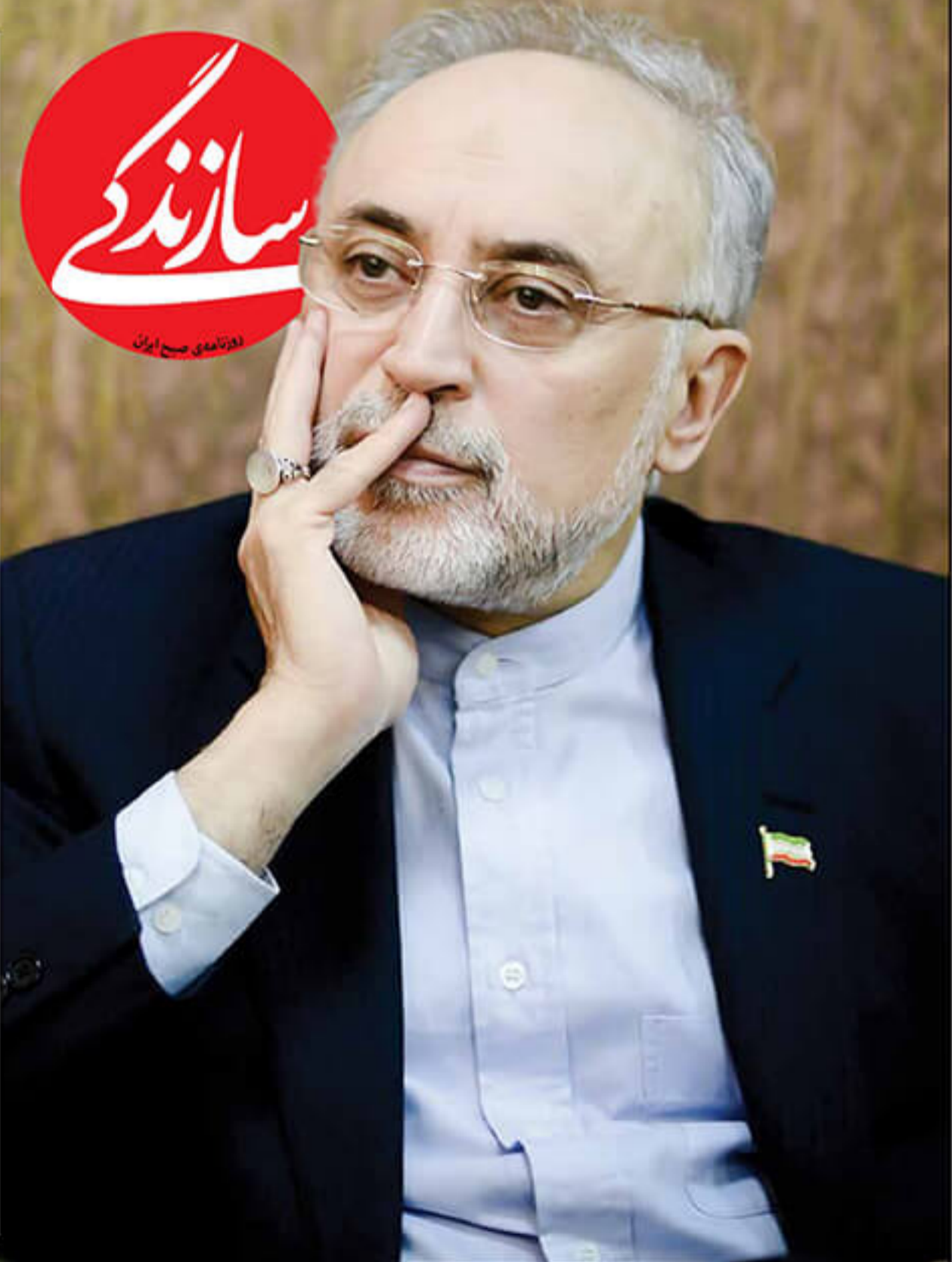
دیپلماتی علمی بدون هراس



علی اکبر صالحی آکادمیسین و سیاستمدار خوش‌پوش ایرانی است که اگر چه نامش با صنعت هسته‌ای کشور گره خورده است. اما سابقه وزارت نیز دارد. صالحی یکی از معدومترین وزرای خارجه ایران در دوره‌ای بود که گفتمان سیاست خارجی با چالش‌های فراوانی روبرو بود. حسین اشرفی‌نژاد سیاست‌گذار مذاکرات پیشتر نام بر عثمان و تغییر گفتمان سیاست خارجی شد پس از آن نیز صالحی با حضور در راس سازمان انرژی اتمی، فنی‌ترین و علمی‌ترین دوره این سازمان را رقم زد. اکنون او با تجربه سیاست‌خارجی و مدیریت صنعت هسته‌ای، در جایگاه قائم مقام فرهنگستان علوم ایران قرار گرفته است. بدیهی است صالحی در پی پیوند تجربه سیاسی و مدیریتی پیشین خویش با سیاست‌گذاری علمی پیشرو است و در این مسیر فرهنگستان علوم نهادی مطمئن برای این روی‌گذاری محسوب می‌شود. علی اکبر صالحی در این گفتگو سخن از دیپلماتی علمی به میان آورده است. نوری که حاصل ترکیب تجربه‌های گران‌بای او در سال‌های گذشته است. او در این مصاحبه با ترسیم آینده دیپلماتی علمی کشور از جهت برنامه‌ریزی و مسیر سازی، بهترین عادل در جهت رشد و توسعه علم و فناوری را تغییر نگرش‌های سیاسی، مدیریتی و به خصوص تغییر رویکرد آسیمی که تاکنون در مواجهه با نخبگان بوده است ارزیابی می‌کند. متن مکتوب مصاحبه پیش‌روی شما است.

به عنوان پرسش نخست بفرمایید که وضعیت علمی کشور را چگونه می‌بینید؟
والفیت این است که جمهوری اسلامی ایران در چهار دهه اخیر به الگوی کثرت در باب فعالیت رسانان ظرفیت‌ها و استعداد های عمومی در عرصه فعالیت‌های علمی و تحقیقاتی تبدیل نشده است. آمارها و آمارهای محترم نشان می‌دهد که کشور ما در دانش‌های تجربی نظیر پزشکی و مهندسی برعی از دانش‌های مهندسی پیشرفته‌هایی فراتر از متوسط منطقه‌ای نبوده است. این زرفی چشمگیر فارغ از همه پیشرفت‌هایی است که در دانش و فناوری هسته‌ای، صنایع هوافضا و همچنین مسوول‌های بنیادین در کنار توجه کم‌ظرف به از بر مساحت‌ها و سخت‌افزارهای علمی و گسترش کثرت آموزش علمی پس از انقلاب اسلامی به وجود آمده است. خوشبختانه دفاع نامادده مقام معظم رهبری در باب استفاده از علم و لزوم حمایت از تولید علم در کشور تنها باعث شکر می‌آید. علم، بلکه سیستم برانسته شدن قدم‌های بشری در عرصه علم و فناوری جمهوری اسلامی ایران نبوده است. لذا با نگاهی گسترده به ظرفیت‌های کشور به این نکته رهنمون می‌شویم که بر دانش قدم‌های بلندی در زمینه‌های مختلف علمی در سراسر کشور قرار داده و می‌توان با رفع برخی موانع، وضعیتی معالی را در عرصه علم و فناوری به طور کامل محقق کرد.

ادامه در صفحه ۲۲



یک قرن و دو قانون

از قانون حفظ آثار مصوبه سال ۱۳۰۹ تا طرح استفاده بهینه از اشیای باستانی و گنج‌ها



کامران مشتاق کوهری
عضو شورای فرهنگ و میراث کشور
مشاور عالی ایران

برای تشریح بهتر شرایطی که طرح استفاده بهینه از اشیای باستانی و گنج‌ها برای میراث تمدنی ایران پدید آورده و مخاطراتی که اساساً چنین تفکری برای آثار تاریخی کشور پدید خواهد آورد باید این طرح را با نگاهی دقیق‌تر بررسی کرد. گرچه تقریباً همه بندهای این طرح به شدت غیرعلمی موجب تحریک غیرقابل جبران سیاست‌ها و محوطه‌های تاریخی شده زمینه از بین بردن سیستماتیک منابع فرهنگی-تمدنی کشور را پدید می‌آورند اما میزان ناآگاهی طراحان طرح با حوزه میراث فرهنگی کشور در بندهای مختلف این طرح حقیقتاً شگفت‌آور است. نکته‌ای که به خوبی نشان می‌دهد نمایندگان امضاکننده این طرح برای تهیه آن حتی با یک باستان‌شناس و یا متخصص میراث فرهنگی از جنبه خودی هم مشورت نکرده‌اند و گرنه حتماً ایشان را از طرح چنین شرم‌نامه‌ای باز می‌داشتند.

نخستین اشکال به این طرح از نام آن شروع می‌شود که همان‌طور که در مقدمه آمد نشان از ذهنیت طراحان و احتمالاً مشاوران این طرح نسبت میراث فرهنگی دارد. ظاهراً این نمایندگان میراث تمدنی مسأله عرصه‌ای برای پژوهش جیستی ایران و کیستی ایرانیان بلکه تنها بازار مکاره‌ای از ابزار و اشیای غنیمی می‌دانند که در روند کاوش و کشف آنها، پرسش‌های اصلی روش‌شناسی کاوش و اطلاعات استخراج شده از آنها نیست بلکه مسئله تنها نحوه قانونی کردن تصاحب آثار و تقسیم سود فروش آنهاست. همان‌طور که بسیاری از متخصصان تذکر داده‌اند اندیشه‌ای که آثار تاریخی کشور را با ادبیات دلالان عتیقه خطاب می‌کند اساساً با کارکرد این آثار در شکل دادن به هویت ملی یک ملت بیگانه است و نمی‌داند که آنچه که یک گروه از انسان دارای زبان و فرهنگ و دین و باور مختلف را کنار یکدیگر نگاه می‌دارد نه دستور این یا آن مقام و یا زور یا پول بلکه هویت ملی مشترک است. پدیده‌ای که امروز بیش از هر زمان دیگری برای کشور ما حیاتی است.

در مقدمه طرح، با اشاره به ناکارآمدی رویکرد قانونی فعلی درباره گنج‌ها و آثار باستانی بدین طریق قانون حفظ آثار ملی مصوب ۱۲ آبان ۱۳۰۹ ملغی می‌شود. همان قانون پرافتخار که در آغاز قرن گذشته به سطره فرانسویان بر میراث فرهنگی ایران پایان داد. این نکته از آن جهت اهمیت دارد که بدانیم فقط یک زوج باستان‌شناس، مارسل و ژان دیولافوا توانستند از نادانی و ناآگاهی دولت ایران نسبت به ارزش آثار غیرفلزی مکشوفه در سایت‌های باستان‌شناسی شوش استفاده کنند و با تحریک طمع دربار ایران به دریافت آثار طلایی و جواهرات حاصل از این کشفیات و البته کمک

دکتر طولوزان پزشک ناسرال‌الدین شاه با جرب کردن سیل چند نافر دولتی بیش از ۴۰۰ صندوق عظیم از دلایمی‌های تاریخی ایران را برخلاف مفاد همان قرارداد که با دربار ایران بسته بودند به مقصد فرانسه بازگیری کنند، منظور آناری است که هم‌اکنون در موزه لوور به نمایش گزارده شده است.

جالب آنکه در این موزه حتی در توضیح محل اکتشاف آثار اشاره‌ای به ایران نمی‌شود، اقدامی عمدی که معمولاً توسط ایرانیان فرهنگ‌دوست در نام یا مکان کشف این آثار با خودکار بر روی نقشه‌ها و تابلوهای این آثار اصلاحاتی انجام می‌شود. (قابل توجه کسانی که حضور این آثار در آن موزه‌ها به دلیل آن توجهی که غربی‌ها به آنها می‌کنند را بهتر از ماندن آنها در خاک خودمان می‌دانند). مطالبه جامعه متخصصین میراث آن بود که این قانون که به دلایلی در زمان تصویب تنها آثار پیش از دوران زندگی را مشمول حمایت‌های قانونی می‌دانست به نوعی ترمیم شود که با حفظ همه حمایت‌هایی که قانون‌گذاران در مجلس هفتم شورای ملی برای حفاظت از میراث فرهنگی کشور پیش‌بینی کرده‌اند دامنه شمول آن به آثار دوره‌های قاجار و پهلوی و حتی معاصر هم کشیده شود اما شوربختانه درست برعکس آن امروز شاهد آن هستیم که گروهی از نمایندگان مجلس بر آنند که این سند حفاظت از آثار تاریخی کشور را با لژانه طرحی بی‌مایه، بی‌اثر و حتی معلق کنند. در ماده بازده و دوازده قانون حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹ چنین می‌خوانیم:

ماده یازدهم - «حفر اراضی و کاوش برای استخراج آثار ملی منحصر آ حق دولت است و دولت مختار است که به این حق مستقیماً عمل کند یا به مؤسسات علمی یا به اشخاص یا شرکت‌ها واگذار نماید و اگر برای این حق از طرف دولت به موجب اجازه‌نامه مخصوص باید باشد که محل کاوش و حدود و مدت آن را تعیین نماید و نیز دولت حق دارد در هر مکان که آثار و علائمی بیند و مقتضی بداند برای کشف و تعیین نوع و کیفیات آثار ملی اقدامات اکتشافیه بنماید.»

ماده دوازدهم - «حفری اگر فقط برای کشف آثار ملی و تحقیقات علمی باشد حفاری علمی و اگر برای خرید و فروش اشیاء عتیقه باشد حفاری تجزرتی است اجازه حفاری علمی فقط به مؤسسات علمی داده می‌شود در ابتیه و اموال غیر منقوله که در فهرست آثار ملی ثبت شده حفاری تجزرتی ممنوع است.»

دلالان عتیقه و قاجاقچیان آثار تاریخی که این قانون را مزاحم تجارت خود می‌بینند، با اینکه امروز دست‌شان برای تحریک و غارت آثار تاریخی ایران بیش از گذشته گشوده، حتی همین را هم کافی نمی‌دانند و برآند تا خرید و فروش آثار تاریخی-تمدنی ملت ایران را قانونی کنند تا لایذ حمل و نقل این آثار از مبادی رسمی کشور دیگر حتی دشواری‌های روزگار قاجار را هم نداشته باشد.

در مقدمه طرح ارئه شده برای آنکه نمایشی از مرور تجربه کشورهای دیگر هم داده باشند و با لژانه اطلاعاتی مخدوش دست‌اندازی به آثار ملی را مشروع جلوه بدهند دو مثال یک‌خطی از روستائیان مصری و رویه دولت انگلستان می‌آورند که البته هر دو بدان شیوه که آورده‌اند صحت ندارد. جالب آنکه در پایان مقدمه هم این اقدام را ایجاد اشتغال زاینده و سروسامان دادن به کاوش‌های باستان‌شناسانه می‌خوانند. عمق نادانی نماینده مجلس و خیانت آنهایی که این ایده را در ذهن آنها انداخته‌اند از همین جا پیداست. ظاهراً منظور طراحان طرح از اشتغال زاینده آن است که از این پس هر شهروند ایرانی با بیل و کلنگ به جان سایت‌های باستانی ایران بیفتند تا آمار بیکاری کاهش بیابد و عتیقه‌جات به دست آمده را به قیمت نازل سه دلال‌های آثار تاریخی بفروشد تا کشور درآمد ارزی پیدا کند و آثار هم که معلوم است سرانجام از حراصی‌ها و بازارهای لروپایی، عربی و چینی سر به در خواهند آورد. اما سروسامان دادن به کاوش‌های باستان‌شناسانه از رهگذر این طرح دیگر به لطفه می‌ماند.

پژوهشکده باستان‌شناسی کشور قریب یکصد سال است که سابقه دارد و اتفاقاً از معدود دستگاه‌های علمی کشور است که هنوز به خوبی کار می‌کند و روال مشخص و شفافی برای اقدامات باستان‌شناسی کشور پایه‌گذاری کرده است که پیوستار آن به دانشکده‌های باستان‌شناسی و نهادهای علمی ملی و بین‌المللی می‌کشد. اگر نبود مشکلات اقتصادی این سال‌های دولت که تخصیص اعتبار به حوزه میراث فرهنگی را به شدت کاهش داده، فعالیت باستان‌شناسان کشور دستاوردهای علمی قابل توجهی می‌داشت. اما حقیقت آن است که منظور طراحان این طرح از کاوش‌های باستان‌شناسانه همان حفاری‌های معمول غیرمجاز به کمک فلزیاب و بیل و کلنگ است که یک فقصره‌اش در جیرفت در دهه ۸۰ موجب غارت گسترده آثار تمدن این منطقه و سراریز شدن انبوه اشیای حاصل از حفاری‌های غیرعلمی و مخرب این سایت به بازارهای خارجی شد. در گورستان منطقه اسپیدز بزمان حفره‌های بی‌شماری دیده می‌شود که غارت تاریخ منطقه بلوچستان به دست مردم محلی را گواهی می‌کند. این طرح، دلالان عتیقه را به جان مردم محلی خواهد انداخت تا با تحریک طمع آنها و پوششی که برای حفاری‌های مخرب در قالب باستان‌شناسی تجاری یا خصوصی به کمک این طرح مهیا می‌کنند مردم مناطق نزدیک به محوطه‌های باستانی را به غارتگران آثار تمدنی بدل سازند و گرنه طراحان این طرح نمی‌توانند حتی یک باستان‌شناس تحصیل‌کرده را پیدا کنند که با این طرح همراهی و توافق داشته و آن را رافع مشکل اشتغال باستان‌شناسان جوان بداند. در ادامه طرح موضوع باز هم جالبتر می‌شود. مزایای پنج‌گانه‌ای که برای این طرح برشمرده شده است نشانگر فاصله نجومی